

تجزیه و تحلیل پیرامون

مسأله جوانان

در کشورهای جهان سوم

تقسیم جهان بچند « بلوک » و « اردوگاه » با مصالح و منافع متضاد ، و روشها و ایدئولوژیهای سیاسی و اجتماعی خاص ، بهمان نسبت که در راه آرامش جهان و ایجاد صلح و تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز میان انسانها و ملتها ، مشکلاتی عظیم و غیر قابل حل بوجود آورده ، و موجب بروز اختلافات دامنهدار ، و رقابتهای تسلیحاتی ، و مبارزات و کشمکشها و جنگهای سرد و گرم ! گرویده است ، در تحقیقات و بحثهای اجتماعی ، و همه پژوهشها و بررسیهایی که در پیرامون مشکلات و مسائل مربوط بگروههای انسانی جامعه ها انجام میگردد - نیز تولید اشکالات و دشواریهایی نموده است !

مشکلاتی که بخاطر تقسیم بندی کنونی جهان در بررسیهای

کتابخانه

اجتماعی بوجود آمده، از این نظر است که در روزگار حاضر و در شرائط فعلی، بعلت ارتباط یافتن همه نقاط جهان بیکدیگر و تأثیر و تأثیری که وقایع و رویدادهای مناطق مختلف گیتی در یکدیگر دارند، کمتر مسأله اجتماعی است که جنبه «منطقه‌ای» و «سرزمینی» داشته، و منحصر بنقطه خاصی بوده باشد. بلکه بدلیل همان تأثیر و تأثر - اکثریت قریب باتفاق! با مشکلاتی است که جنبه «جهانی» و «مشترک» دارند، همه جوامع کنونی با آنها مواجه و دست‌بگریبانند. لیکن در عین حال، با وجود مشترک بودن مشکلات، وحدت و تشابه ظاهری و صورتی اینگونه مسائل، و مشابه بودن نمودها و علائم و مشخصاتی که حاکی از «بیماری اجتماعی» است، «ریشه‌های درد» و عوامل بوجود آمدن مشکلات اجتماعی در همه جا یکسان و هماهنگ نیست. و راه حل هر یک از این مسائل نیز باختلاف شرائط و مقتضیات محیطها، متفاوت است.

بهمین جهت - بر مبنای اصول جامعه‌شناسی علمی معاصر - هر مشکل اجتماعی را باید بر اساس شناخت علل و اسبابی که موجب بروز مشکل و مسأله اجتماعی مزبور - در شرائط منطقه پیدایش و فعالیت آن - گردیده است، بررسی نموده، و راه حل صحیح و علمی آنرا بدست اشکال از آنجا تولید میشود که - با وجود اختلاف علل و عوامل پیدایش مشکلات اجتماعی جامعه‌ها بشرح بالا - گروهی از کارشناسان امور اجتماعی در کشورهای جهان سوم، با غفلت از عدم تطابق و توافق بین خصائص و واقعیات جوامع عربی و خصوصیات و اوصاف جامعه‌های مشرق زمین، بیهوده تلاش میکنند مشکلات اجتماعی این کشورها را

با اجراء راه حل‌های غربی و طرح‌هایی که با اقتضاء شرائط و واقعیات زندگی کشورهای پیشرفته و صنعتی برای خود آن محیطها مؤثر و مفید بوده است، از میان بردارند. نتیجه پیاده کردن طرح‌های غربی در زمینه‌های اجتماعی کشورهای جهان سوم جز این نیست که بخاطر ناسازگاری و عدم ملایمت این روشها با شرایط زندگی جوامع شرق، مشکلاتی در جامعه‌ها بوجود آید که بمراتب از نابسامانیها و مشکلاتی که بر اساس مسئله مترتب بوده بیشتر و حل آن دشوارتر است.

* * *

مشکل مهم دیگری که در راه بررسی‌های اجتماعی مربوط به - گروه‌های انسانی جوامع وجود دارد، انقسام هر جامعه بقشرها و طبقات گوناگون و مختلف است.

در میان طبقات مختلف جوامع جهان سوم، قشری وجود دارد که از نظر اقتصادی فوق العاده مرفه و ثروتمند و دارای همه‌گونه امکانات مادی، و بهمین جهت از نظر اخلاقی و اجتماعی فاسدتر و منحط‌تر قشرهای دیگر اجتماع است. و قشر دیگری نیز هست که از نظر امکانات مادی، درست در نقطه مقابل قشر نخستین قرار دارد. و بخاطر فقر و محرومیت از بیشتر مواهب زندگی، باور رنج و ناراحتی توانفرسائی روزگار میگذرانند.

گروه اول - موقعیت و امکانات خود را مسدود می‌کنند.

برای حفظ موقعیت خویش پشتیبان و حامی بقای سلطه و قدرت غارتگران در کشورهای جهان سوم است. افراد این قشر بدلیل نداشتن هدف‌های

شخصی و اجتماعی انسانهای فعال -- که موجب رشد و تکامل استعداد های درونی است -- از نظر درك اجتماعی در سطح بسیار نازلی قرار دارند. و بهمین جهت با اجتماع و مشکلات توده مردم کاملاً بیگانه میباشند. و از طرف دیگر فریفته شدن بزرگ و بزرگ زندگی و تمدن غربی و انزجار و تنفر از محیط زندگی خود، متناسب با سطح پائین درك و شعور آنان است (۱).

قشر پائین وضعیف و محروم اجتماع - از نظر خصائص و روحیات نیز - در نقطه مقابل این طبقه قرار دارد. و بخاطر اینکه فقر و محرومیت او ناشی از همان غارت های استثماري است، طبعاً و مخالف امتیازات و اختلافات طبقاتی و فردی است. و چون در زندگی اجتماعی خود از همه طرف با مشکلات روبرو می باشد، دارای بیش و درك اجتماعی بسیار عالی است. در برابر سختیها و مشکلات زندگی طاقت فوق - العاده دارد. و بطور جدائی ناپذیر وابسته بآب و خاك کشور خویش است (۲).

اکنون باید باین نکته متوجه داشت که هر چند این دو قشر -- از نظر خصائص و اوصاف روحی و مشخصات اجتماعی - در دو قطب کاملاً مخالف قرار گرفته اند، لیکن پاره ای از مسائل اجتماعی است که بخاطر عمومیت و همه گیر بودن آن، میان قشر های مختلف اجتماع مشترك است. در

۱- مقاله مشکلات نسل جوان در شرایط استثماري است، از دکتر مهدی

بهار - مجله فردوسی.

۲- همان مدرک.

چنین زمینه‌هایی هرگز نباید مسأله را بصورت واحد بررسی کرده . و يك راه حل مشترك برای آن جستجو نموده . زیرا با وجود وحدت‌صوری مشکل مزبور ، عواملی که مولد و موجد آن درقشرهای بالا بوده است ، با عوامل مولد درقشرهای پائین هماهنگ و یکسان نیست . و با در نظر گرفتن خصائص روحی و اجتماعی قشرها ، راه حل آن نیز - طبعاً - نمیتواند واحد و مشترك باشد . چشم پوشی از این حقیقت است که موجب میشود بسیاری از طرحهایی که برای حل اینگونه مسائل پیشنهاد میشود ، غیر عملی بایی فائده از آب در آید ! و درپاره‌ای از موارد سبب تشدید مشکلات و نتایج حاصله از آن گردد .

* * *

مسأله « جوانان » یکی از مسائل مشترك بین‌المللی است . باین-معنی که چه در دنیای سرمایه داری ، و چه در جهان کمونیسم ، و چه در کشورهای جهان سوم ، همه جامعه‌ها - حکومتها و ملتها - با این مسأله و اثرات ناشی از آن روبرو هستند . ولی عوامل بوجود آمدن چنین مسأله‌ای - بجز آنچه تجلی و عکس‌العمل عوارض خاص این دوره از عمر است - مشترك نیست . و ناشی از خصوصیات اجتماعی ، مذهبی و حقوقی جامعه هاست . بهمین جهت راه حل آنرا نیز در هر محیط و جامعه‌ای باید بر اساس خصائص و شرائط و مقتضیات همان جامعه بدست آورده . و هرگز نباید بطرحها و روشهایی که متعلق به « آب و هوا »ی اجتماعی دیگر ، و متناسب با شرائط و خصوصیات زندگی دیگریست ، متوسل شد . تنها اثر مطرح کردن مسأله جوانان از دید غربی ، « حاد » تر

کردن مسأله و افزودن بیار مشکلاتی است که از این ناحیه متوجه اجتماع است .

از طرف دیگر ، در هر جامعه‌ای نیز ، کلیه قشرهای آن جامعه با این مسأله مواجه می‌باشند . ولی بحث و بررسی در پیرامون آن باید باقتضای خصوصیات و اختلافات طبقاتی ، در مورد هر قشری بصورت جداگانه و مستقل انجام پذیرد .

آنچه در زمینه نسل جوان قشرهای بالا و اشرافی کشورهای جهان سوم باید بحث شود «فساد» و عوارض و مشکلات ناشی از آنست . اما آنچه نسل جوان قشرهای پائین و ضعیف این جوامع با آن دست - بگریبان می‌باشد مشکلات زندگی است ، فقر و محرومیت است ، نداشتن هیچگونه امکان مادی است ، عدم توانائی بر ادامه تحصیل است ، و گاهی هم بضمیمه همه اینها احساس حقارت و عقده‌های ناشی شده از آنست و ..

برای آن تباهی و فساد اخلاقی ، انحطاط فکری و عملی بالاخره باید راه حلی یافت ، فکری کرد ، و طرحی ریخت ... برای مشکلات و درد های قشر ضعیف و محروم - برای فقرش ، محرومیت‌هایش ، مشکلات زندگی ، ناتوانی‌ها و بیسروسامانی‌هایش ... - نیز باید راهی اندیشید و فکری کرد .

اما این دو طرح و راه حل -- هر چه باشد متغایر و هریک متکی بر مبانی خاصی خواهد بود ..

باستثناء این سلسله مشکلات - که جنبه طبقاتی دارد - يك سلسله مشکلات و مسائل دیگر هم هست که نسل جوان کشور های « توسعه نیافته ! » و « عقب نگاهداشته شده » بطور مطلق با آن روبرو میباشند اینها مشکلاتی است که جنبه اجتماعی دارد . و عوامل مشترك آنرا باید در سطح بالاتری جستجو کرد .

از جمله این مشکلات ، مسائلی است که از جهت بر خورد روحیه و افکار جوانان با « امکانات » محیط - در جوامع جهان سوم - بوجود می آید . « جوان » بحکم جوانی بلندپرواز است ، آرمانهای بزرگ و عالی دارد ، افکار و آرزوهایش حدود مرزی نمی شناسد ، شور و شوق و نشاط فوق العاده ای را برای فعالیتهای اجتماعی - که در ضمن خدمت بجامعه موجب آماده ساختن زمینه ترقیات و پیشرفتهای اجتماعی خود او می باشد - داده است و ...

تردیدی نیست که باقراردادن این شور و نشاطها در مسیر صحیح و بهره برداری از آن در راه پیشرفت و تکامل همه جانبه جامعه نتایج عالی و عظیمی میتوان بدست آورد لیکن در جوامع جهان سوم جایی برای بلند پروازیهای جوان نیست . و ویژگیها و مشخصات خاص کشورهای غیر صنعتی اقتضای چنین موضوعاتی را ندارد . عوامل موجود محیط هم بتغییر مسیر افکار او کمک می کند . و بگفته یکی از نویسندگان معاصر : جوانان دنیای سوم در جریان اخبار دانشگاههای غرب نیستند ، ولی از سپر تاپیاز وقایع و حوادث و تازه های هالیوو و مطلعند !

صدی شصت صفحات روزنامه های کثیرالانتشار و صدی هشتاد

اوراق مجله‌های هفتگی مادر اختیار کمپانیهای فیلمبرداری است. و این کمپانیها همان اندازه مشکل جوانان را حل میکنند که «منشآت حجاج بن یوسف!».

میماندمطالب جدی کتابها و مجله‌های ماهانه ... برای آنها فکری کرده‌اند. بنگاه نشریه‌های غربی ... و امثال آن... البته مشکل جوانان غافل نیستند! ..» (۱)

يك قسمت دیگر از این مشکلات، مسائلی است که ناشی از برخورد جوانان با اوضاع اجتماعی محیط است. زیرا در جوامع جهان سوم هر چند زندگی «ماشینی» شده، مظاهر تمدن! راه یافته، و صورت اجتماع تغییر کرده است، لیکن از یکطرف مشکلات دورانهای سابق همچنان بجای خود باقیست. باین معنی که در روزگاری که برای غرب، سفر بفضا و ماه از امور عادی و پیش پا افتاده شده، در اینسوی جهان مسأله گرسنگی را هنوز نتوانسته‌اند حل کنند!، در آمریکاسودان موفق نشده‌اند کاهش خیلی زیادی بوجود آورند، مردم این منطقه از جهان در برابر امراض و بیماریهایی مانند وبا و آنفلونزا هنوز همان حال را دارند که مثلا دوسه قرن پیش! داشته‌اند و ... و از طرف دیگر با وجود رخنه کردن و راه یافتن بسیاری از مفاسد دنیای غرب، سنن و رسوم مذهبی و ملی گرچه ضعیف شده، ولی از بین نرفته، و هنوز هم مؤثرترین نقش را در حیات اجتماعات شرق داراست.

۱- مقاله از کدام جوان سخن میگوید؟ بقلم دکتر مصطفی رحیمی -

نسل جوان کشورهای جهان سوم در تضاد میان سنن و رسوم ، و واقعیات سنتی اجتماع از یک طرف ، و مظاهر فریبندگی که سوقات فرنگ‌وره آور تمدن غرب است ، از طرف دیگر ، دچار مشکلات عجیبی هستند که از اختصاصات جوامع شرقی است .

در این جوامع ، برخورد نمودهای تمدن غرب ! - که غرائز جوانان کشورهای «توسعه نیافته !» را در مسیری انحرافی و غیر صحیح رهنمون است - با نظام و مقررات و سنن خانوادگی و اجتماعی - مذهبی و ملی - که زیر پا گذاشتن آن جنبه نقض حیثیت خانواده یا جامعه را بخود میگیرد ، جوان را بر سردوراهی خطرناکی قرار میدهد . و همین موضوع ، منشأ پیدایش مسائل پیچیده و غامضی در صحنه زندگی اجتماعات مزبور ، و در موارد بسیاری موجب از هم پاشیدن کانونهای گرم خانوادگی ، خودکشیها ، فرارها و حوادث اندوهبار و غم انگیز فراوان دیگری میگردد ، که این مختصر جای ذکر آن نیست ! .

مسأله شیوع روزافزون فساد در شهرها - که از عوارض و نتایج مستقیم شهرنشینی مدرن ! و خالی شدن دهات می باشد - نیز مشکل دیگریست که حل آن از نخستین گامها در راه نجات نسل جوان بشمار میرود ...